

درس پانزدهم: من تنها زندگی می‌کنم.



۱- واژگان و تمرین‌ها

۲- گفتگو

۳- فیلم

۴- دستور ۱ و ۲ و ۳

۵- درک شنیدار

۶- تلفظ

۷- فرهنگ

۹- درک خواندن

۱۰- خواندن

۱۱- زبان گفتار- زبان نوشتار

۱۲- گفتگو

۱۳- تلفظ- شعر و موسیقی

۱۵- بند نویسی

۱۶- دوره‌ی افعال

Key words: Before you begins, learn to recognize the following key words.



15_1_KeyWords

practice	تمرین کنید	complete	کامل کنید
again	دوباره	compare	مقایسه کنید
watch	تماشا کنید	wrong	غلط / نادرست
It means	یعنی	correct	درست



15_1_Vocabulary

تمرین ۱: واژگان و جمله‌ها (در خانه)

15_1_Vocabulay _ Spoken

به فایل صوتی گوش کنید و جمله‌هایی را که می‌شنوید بنویسید.

ترجمه	نوشتار (گفتار)
trainer	مربی
I used to live	زندگی می‌کردم
to help	کمک کردن - کمک می‌کنم [به کسی کمک کردن]
in order to	تا
serious	جدی
kind	مهربان (مهربون)
poem / poet	شعر / شاعر
music	موسیقی
at least	حداقل / دست کم
various	مختلف
s/he would come - used to come	می‌آمد (می‌اومد)
s/he would go - used to go	می‌رفت
s/he returned - s/he returns	برگشت - برمی‌گردد (برگشتن)
s/he decided / s/he decide	تصمیم گرفت / تصمیم می‌گیرد (تصمیم می‌گیره)
s/he opened - we have opened	باز می‌کند (باز می‌کنه) - باز کرده‌ایم
s/he said- s/he says	گفت - می‌گوید (می‌گه)

ترجمه	نوشتار (گفتار)
would you help me?	کمکم می کنی؟
the best	بهترین
place	جا
the world	دنیا
only	فقط
a few months– several months	چند ماه
Almost - approximately	تقریباً
Some/ some of the	بعضی - بعضی از
somebody / the people	کسی / کسانی (کسایی)
some of those who...	بعضی از کسانی که (...کسایی. . .)
they sit - to sit	می نشینند (می شینن) - نشستن
I stay - I would stay	می مانم / می ماندم (می مونم / می موندم)
it depends	بستگی دارد (بستگی داره)
customer	مشتری
we would have - we should have	داشته باشیم
about (approximately)	حدود
Lamp - light	چراغ
I turn off	خاموش می کنم
alone, by myself	تنها، خودم تنها
roommate	هم خانه (هم خونه)
now	حالا، حال
until now	تا به حال (تا حالا)
Not	خلوت: مخالف شلوغ
future	آینده

تمرین ۲: واژگان (در خانه)

با اطلاعات مربوط به خودتان جمله‌های زیر را کامل کنید.

- ۱- در شهر به مدرسه می‌رفتم.
- ۲- بسیار جدی، اما مهربان است.
- ۳- من علاقه زیادی به و دارم.
- ۴- حداقل هفته‌ای دوبار را می‌بینم.
- ۵- شب‌ها پنجره را باز
- ۶- به نظر من بهترین جای دنیا است.
- ۷- کسانی که در کلاس فارسی هستند معمولاً
- ۸- بعضی وقت‌ها که از درس خواندن خسته می‌شوم،
- ۹- من معمولاً [جا] کتاب می‌خوانم.
- ۱۰- من تنها زندگی
- ۱۱- تا به حال نخورده‌ام.

تمرین ۳: واژگان (در خانه)

جمله‌های زیر را با استفاده از واژگان درس ۱۵ کامل کنید.

- ۱- آنها سالی یک بار برای دیدن پسرشان از تهران به مشهد می‌آیند.
- ۲- می‌خواهید به شما در را باز کنید؟
- ۳- این آقا را می‌شناسید؟ ورزش این مدرسه است.
- ۴- بفرمایید روی صندلی. - نه، ممنون، همین جا راحت است.
- ۵- در این کتابخانه کتاب‌های زیادی درباره‌ی تاریخ ایران دیده‌ام.
- ۶- وقتی به خانه رفتم، در خانه نبود.

۷- (نمی‌دونم فردا شب برای شام چه کار کنم. همه چیز که ساعت چند به خانه برگردیم.)

۸- سعی می‌کنم روزی دو ساعت استراحت کنم.

۹- دانشگاه کشور در شمال این شهر قرار دارد.

۱۰- باید در یک جای درس بخوانم.

۱۱- دو سال پیش پدر بزرگم فوت کرد و چند ماه پیش مادر بزرگم به تهران بیاید و با ما زندگی کند.

۱۲- همه‌ی که کنکور می‌دهند قبول نمی‌شوند.

۱۳- همین چند لباس را دارم.

۱۴- (ای بابا! این فیلم رو دیده‌ایم، نه؟ لطفاً تلویزیون رو).

۱۵- (پنجره‌ها را لطفاً؟ هوا سرده.)

تمرین ۴: گفتگو کنید. (در کلاس)

الف) از هم کلاسی‌تان بپرسید و به گروه دیگری در کلاس گزارش دهید.

1. Who in their family is kind.
2. If they know anyone who is interested in poetry.
3. Who their best friend is.
4. What their favorite subject is.
5. If they know of different/various cities in Iran.
6. If they can sit on a coach for six hours and study.
7. If they used to help their parents when they were kids.
8. If they close the door to their bedroom when they sleep.
9. At least how many hours they study every day? (start your question with حداقل)
10. What they are going to do in near future.

ب) از هم کلاسی‌تان بپرسید و به گروه دیگری در کلاس گزارش دهید.

1. If their best friend lives in this city.
2. When they returned home last night.
3. If they stay at school after the class.
4. If they used to go to church (کلیسا) when they were a child
5. What some of the students in this class are wearing.
6. If they would like to sit in this class for more than an hour.
7. If they live alone.
8. If they used to read story books when they were kids.
9. What 's the minimum amount of money they need to buy lunch. (start your question and answer with حداقل)
10. How many bedrooms their future house should have.



الف- فیلم ۱ را ببینید و به سوالات زیر جواب کامل دهید.

۱- امیر کجا کار می‌کند؟

.....

۲- او کی به تهران آمد؟

.....

۳- خاله‌ی امیر چطور زنی است؟

.....

۴- درباره‌ی خاله‌ی امیر هر چه می‌دانید بنویسید.

.....

۵- نظر امیر درباره‌ی کافی شاپ چیست؟

.....

۶- امیر در ویدیو درباره‌ی کسانی که به کافی شاپ می‌آیند چه می‌گوید؟

.....

۷- امیر درباره‌ی چه کسانی جز خاله حرف می‌زند؟

.....

۸- ایده کیست (چه کاره‌ی امیر است/ چه نسبتی با امیر دارد)؟ و در تهران چه می‌کند؟

.....

۹- ساعت‌های کاری کافی شاپ چگونه است؟

.....

۱۰- چرا گاهی امیر تا دیر وقت در کافی شاپ می‌ماند؟

.....

۱۱- امیر با چه کسی/ کسانی زندگی می‌کند؟

.....

در کلاس - هر چه درباره‌ی امیر و خانواده‌اش می‌دانید برای هم‌کلاسی‌تان بگویید.

دستور ۱: گذشته استمراری- (در خانه و کلاس)

تمرین ۶:

Read the following sentences:



15_3_Grammar1

وقتی بچه بودم در رشت زندگی می کردم.

پارسال روزهای سه شنبه به کلاس موسیقی می رفتم

These sentences feature a new verb tense (, گذشته استمراری), but luckily it is formed using pieces that you know so you should recognize the verb. Do you think this new tense is a past tense or a present tense? How do you know? What words in the sentence indicate this?.....

You already know the simple past, which describes actions that took place in the past one time, like in the examples below:



15_3_Grammar2

چهار سال در شیراز زندگی کردم.

دو سال پیش به ایران آمدم.

However, گذشته استمراری is used in a different way. Read the first set of examples again. What do you notice about the period of time in which the action of the verb takes place? Is the action happening in a single instance or over a period of time? How do you know?

Based on the information above, can you describe when we use گذشته استمراری in Persian? **Be sure to check your answer with your instructor and classmates in class.**

Look at the two examples below and explain why simple past (گذشته ساده) is used in the first sentence while گذشته استمراری is used in the second.



15_3_Grammar3

دو سال پیش به ایران آمدم و به شهرهای مختلف رفتم.

وقتی به ایران می آمدم، به شهرهای مختلف می رفتم.

To review circle the correct word in the parenthesis: گذشته استمراری is a (past / present) tense that describes either actions that took place (over a period of time / in a one instance) or (habitual / single) actions.

Forming گذشته استمراری

Examine the sentence below carefully and underline the two examples of: گذشته استمراری

وقتی به ایران می آمدم، به شهرهای مختلف می رفتم.

This verb tense is formed using familiar pieces. What do you recognize in the verb?

.....
.....

گذشته استمراری is formed simply by adding می to the simple past tense form that you already know. To help you visualize the form, fill out the diagram below with the proper information:

گذشته استمراری



Apply this information by filling out the chart below. **Check your answers with your instructor.** Don't forget what is special about the third-person singular او in the simple past!

ما	من می گفتم
شما	تو
آنها	او

Read the two sentences below:

پارسال دوستم روزهای چهارشنبه تا ساعت هفت درس می داد و معمولاً ساعت نه شام می خورد.

هر روز دوستم که تنها زندگی می کند با یکی از دوستانش در رستوران شام می خورد.



15_3_Grammar4

Which sentence has a verb that is pronounced /mi-khorad/ and which sentence has a verb pronounced as /mi-khord/? How do you know?

.....
.....

Negating گذشته استمراری

The sentence below includes the گذشته استمراری is the negated form.

وقتی که بچه بودند بعد از ساعت پنج صبح بیدار نمی شدند و این پدر و مادرشان را ناراحت می کرد.



15_3_Grammar5

What do you notice about how we negate this verb tense? It is similar to the negation of which other verb tense?

.....
.....

گذشته استمراری Fill out the chart below using the negated conjugation of

ما	من
شما کمک نمی کردید	تو
آنها	او

تمرین ۱ Conjugate the following verbs in گذشته استمراری using the indicated subject pronoun. As you conjugate each verb, say it aloud!



15_3_Grammar6

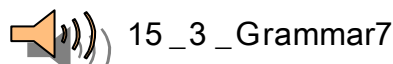
Check your answers here.

- ۱- تو + نوشتن
- ۲- شما + توانستن
- ۳- ما + سعی کردن
- ۴- او + تصمیم گرفتن
- ۵- آنها + کار کردن
- ۶- تو + حرف زدن
- ۷- شما + برگشتن
- ۸- من + خوابیدن

تمرین ۲ Fill in the blanks using the indicated verb conjugated in either the simple past tense or the گذشته استمراری. Then explain in detail why you chose that tense.

- ۱- من پارسال روزهای سه شنبه به باشگاه..... (رفتن) و به مربی ام (کمک کردن) .
.....
- ۲- دیروز استادمان (تصمیم گرفتن) هفته ی آینده کلاس مان ساعت دو شروع شود.
.....
- ۳- برادرم وقتی که بچه بود فقط لباس سبز (پوشیدن) و وقتی کسی به او لباس رنگ دیگری (هدیه دادن)، ناراحت (شدن).
.....
- ۴- یکی از دوستانم وقتی در دبیرستان بودیم هر روز زیادی (آرایش کردن).
.....
- ۵- آنها در گذشته (توانستن) در کافی شاپ کار کنند اما الان نمی توانند.
.....
- ۶- من پارسال از ایران (برگشتن). آن جا (زندگی کردن) چون (خوانستن) خوب فارسی حرف بزنم.

تمرین ۳ : Listen to the audio file. You will hear 6 sentences. Write the translation of the sentences you hear in the appropriate column. The sentences which have فعل گذشته استمراری in right column, and the ones with گذشته ساده in left.



جمله‌ای که فعل گذشته ساده دارد	جمله‌ای که فعل گذشته استمراری دارد

تمرین ۴: Read the English sentences below and write the closest Persian equivalent that you can think of.

1. Last year in history class, I sat in the very chair every day.

.....

2. When I was a child, I would stay at my grandparents' house for the summer.

.....

3. When we would go to Iran, my little sister didn't want to wear her headscarf.

.....

4. Some of the people who were at the party used to live in New York but decided to come to California last year.

5. Last year my favorite class would start at 3:00 and we would always talk about interesting topics.

Note: The third-person singular conjugation for گذشته استمراری of the verb خوردن is written the same as the third-person singular conjugation for زمان حال (simple present tense). However, it is pronounced differently:

گذشته‌ی استمراری: می‌خورد

زمان حال: می‌خورد

در کلاس -

۱- یادش به خیر! - what a good time!

با هم کلاسی خود درباره‌ی گذشته‌تان صحبت کنید

وقتی بچه بودم

وقتی در زندگی می‌کردم

وقتی به مدرسه می‌رفتم

وقتی

۲- ای کاش! I wish I would با هم کلاسی خود درباره‌ی چیزهایی که می‌خواهید صحبت کنید.

ای کاش تا شب می‌خوابیدم!

Read the following sentences and translate them into English.



15_3_Grammar8

..... الان یک سال است که به تهران آمده‌ام.
..... دوستم در شهرهای شیراز، آستین و فیلادلفیا زندگی کرده است.
..... هفت ماه است که پدر و مادرتان را ندیده‌اید.

You already know that the verb tense that is being used in the sentences above is similar to the English present perfect (I have come; she has lived; you have not seen). Take a moment and think about how we use this tense in English. What are you implying when you use it?

.....
.....
.....

when we want to reference something that has happened in the گذشته نقلی in Persian, we use past but is still relevant to the present conversation or discussion. As you can imagine, context is really important to determining when use this tense and for understanding the nuance that it implies. In the space below, write in English three scenarios in which you might use this tense. Be sure to set up a context and explain why this tense is necessary.

- 1).....
.....
- 2).....
.....
- 3).....
.....
- 4).....
.....

A Few Exceptions

Note that there are instances in which we use this verb tense in Persian when we wouldn't necessarily use it in English. The most notable examples involve three verbs that you already know. Look at the sample sentences below and translate them into English.

امروز روز سنت پاتریک است و همکلاسی‌هایم لباس سبز پوشیده‌اند اما من فراموش کردم و لباس سبز نپوشیده‌ام.

.....
 نمی‌توانم حرف بزنم چون الان من با خانواده‌ام پشت میز نشسته‌ایم و داریم شام می‌خوریم.

.....
 - مهسا کجاست؟ - خوابیده است.

.....
 In Persian, we describe these states of being (wearing, sitting, and sleeping) using the گذشته , even though we are talking about the present. Keep these exceptions in mind and be on the نقلی lookout for others as you continue to build your Persian vocabulary!

Forming گذشته نقلی

Based on the information that you already know, use the space below to create a formula for forming گذشته نقلی. Look at page 110 in Volume 1 of *Persian of Iran Today* for a good model for visualizing verb conjugations. Try to use that model in your own formula.

How would you create a model for the negation of this verb tense?

Pronouncing گذشته نقلی in spoken Persian

In spoken Persian, گذشته نقلی sounds very similar to گذشته ساده or the simple past.

Listen to the following examples below very carefully and try to determine the differences you hear between گذشته نقلی and گذشته ساده and between نوشتاری and گفتاری.



15_3_Grammar9

گذشته ساده - نوشتاری	گذشته نقلی - نوشتاری	گذشته ساده - گفتاری	گذشته نقلی - گفتاری
به او گفتم.	به او گفته‌ام.	بهش گفتم.	بهش گفته‌ام.
او را دیدم.	او را دیده‌ام.	اون رو دیدم.	اون رو دیده‌ام.
در تهران زندگی کردم.	در تهران زندگی کرده‌ام.	[تو/در] تهران زندگی کردم.	[تو/در] تهران زندگی کرده‌ام.

Listen to the audio file again. Now record your own audio file and send it to your teacher. Try to copy the voice that you hear exactly. Pay special attention to where the words in the sentence are being stressed.

Now that you have heard examples and even tried recording them yourself, try to explain the difference you hear between گذشته ساده and the spoken form of گذشته نقلی. Be prepared to share your answers with your classmates.

.....

.....

.....

.....

.....

Note that there is no common writing system for writing گفتاری in گذشته نقلی. You may see people write it in the same way that they would write it in simple past, or they sometimes people write it the same way they write it in نوشتاری form of گذشته نقلی, even though the pronunciation is slightly different. In this textbook, for the sake of clarity, we have chosen to write it in نوشتاری.

تمرین ۱ – در خانه

Listen to the audio file, and determine whether the گفتاری sentences you hear are in گذشته ساده or گذشته نقلی. Listen for both things like stress but also key words.



15_3_Grammar10

- ۱ - گذشته ساده □ گذشته نقلی □
- ۲ - گذشته ساده □ گذشته نقلی □
- ۳ - گذشته ساده □ گذشته نقلی □
- ۴ - گذشته ساده □ گذشته نقلی □
- ۵ - گذشته ساده □ گذشته نقلی □
- ۶ - گذشته ساده □ گذشته نقلی □

تمرین ۲ – در خانه

پنج جمله‌ای طولانی بنویسید که در آن‌ها از زمان گذشته نقلی استفاده می‌شود. هر جمله باید حداقل ۱۰ کلمه داشته باشد.

..... ۱ -

..... ۲-

..... ۳-

..... ۴-

..... ۵-

تمرین ۳- در خانه

Listen to the audio file and complete the following sentences. What are these verbs are called in Persian grammar?



15_3_Grammar11

چهار سال در مشهد زندگی (گذشته)

چهار سال در مشهد زندگی (.....)

چهار سال در مشهد زندگی (.....)

چهار سال است که در مشهد زندگی (.....)

Fill in the blank with appropriate forms of زندگی کردن.

۱- چهار سال در مشهد زندگی و بعد به تهران رفتم.

۲- وقتی عمویم به مشهد آمد ما چهار سال بود که در مشهد زندگی

۳- چهار سال در مشهد زندگی از سال ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۰.

۴- چهار سال در مشهد زندگی و بعد برای همیشه به شیراز می‌روم.

تمرین ۴ - در کلاس

در کلاس- از هم کلاسی‌تان بپرسید تا حالا چه کارهایی کرده است و چه کارهایی نکرده است.

مثال: تا حالا به کنسرت لیلی گاگا رفته‌ای؟ (تا حالا رفته‌ای کنسرت لیلی گاگا؟)

دستور ۳: وجه التزامی - دیگر کاربردها (در خانه و کلاس)

تمرین ۸:

You have already learned that the use of وجه التزامی in Persian is often determined by certain trigger words. Look at the sentences below.

بعضی از کسانی که برای کنفرانس به نیویورک می‌رفتند از من خواستند در آن هتل بمانم.

سعی کردیم در کتابخانه بنشینیم و درس بخوانیم اما خیلی خلوت بود و خلوت بودنش را دوست نداشتیم.

Why do these sentences require the subjunctive? What triggered the use of the subjunctive?

.....

In the box below, list the subjunctive “trigger” verbs that you have learned up until now. Be prepared to share your list in class.

As you continue to expand your vocabulary, you will want to keep up with this list and continue adding trigger words. If you are uncertain, then make sure you listen to the sample sentences that come with each vocabulary word.

A New Trigger Word

Read the following sentences and try to translate the sentences.

زود به خانه برگشتم تا چراغها را خاموش کنم.

.....

با این که تصمیم گرفته‌اند به آذربایجان بروند هنوز به واشنگتن نرفته‌اند تا ویزا بگیرند.

.....

Based on the sentences above, can you guess what tā means in these sentences?

.....

.....

The word *tā* in Persian has many meanings, but when *tā* is used as a conjunction and followed by the subjunctive tense (like in the sentences above), then it means “in order to.” So it indicates the reason that a subject has completed (or will complete) a particular action.

تمرین ۱ – در خانه

جمله‌های زیر را کامل کنید

۱- ساعت هفت بیدار می‌شوم تا

۲- فارسی می‌خوانم تا

۳- به شهری رفتم که در آنجا بزرگ شدم تا

۴- کتاب‌های مختلفی خواندم تا

۵- مادر من در آینده می‌خواهد در هتلی بماند که پنج ستاره دارد تا

In Unit 14, you learned a similar construction. Do you remember what it is? Write a sample sentence below that uses it.

.....

Keh + subjunctive and *tā* + subjunctive convey very similar meanings. Both indicate the reason that the subject has undertaken or will undertake an action. The main difference between the two structures is that *tā* tends to be used more often in spoken Persian; however, both structures are used in both written and spoken. The two examples below, for example, are almost identical and both written in the Spoken form.

15_3_Grammar12

(دانشجو می‌ره دفتر کار استادش تا بتونن درباره‌ی موضوع کلاس صحبت کنن.)

(دانشجو می‌ره دفتر کار استادش که درباره‌ی موضوع کلاس صحبت کنن.)

Try to use both constructions in your written homework assignments and when you are speaking in class.

تمرین ۲ – در خانه

A– Choose the appropriate verb in parenthesis to complete the sentences below. Make sure to conjugate the verb.

زودتر می‌روم تا این کتاب را به کتاب‌خانه (بردن/ ماندن)

این غذا را بخور تا (رفتن/ سعی کردن)

می‌روم که آنها هم (آمدن/ خاموش کردن)

B- First review the different kinds of trigger words for the subjunctive in Persian, then choose the appropriate verb in parenthesis to complete the sentences in تمرین. Make sure to conjugate the verbs.

15_3_Grammar13

بعد از شاید، ممکن است، باید

مثال:

- ۱- ممکن است کسی در کلاس نباشد.
- ۲- شاید با شما بیایم.
- ۳- امروز باید استاد را ببینم و با او حرف بزنم.

تمرین الف- جمله‌های زیر را با فعل مناسب کامل کنید:

- ممکن است این غذا را (دوست داشتن/ آمدن)
شاید از او برای تعطیلات عید نوروز کجا می‌رود. (باز کردن/ پرسیدن)
مهاجرت کار آسانی نیست، باید بیشتر درباره‌ی این موضوع (آماده شدن/ فکر کردن)
باید به او (زنگ زدن/ ورزش کردن)

بعد از افعالی چون: تصمیم گرفتن، می‌خواهد، می‌تواند

مثال:

15_3_Grammar14

- ۱- می‌خواهم به خاله کمک کنم کافی شاپش را باز کند.
- ۲- تصمیم گرفت مهندسی بخواند.
- ۳- می‌توانی با او حرف بزنی؟

تمرین ب- جمله‌های زیر را با فعل مناسب کامل کنید:

- می‌خواهی همین الان ؟ (تصمیم گرفتن/ پوشیدن)
تصمیم گرفته‌ام برای چند ماه همین جا (قبول کردن/ ماندن)
می‌توانیم به آن کودکان بی‌خانمان (استراحت کردن/ کمک کردن)

بعد از «قبل از این که»

مثال:

15_3_Grammar15

- قبل از این که پنجره را باز کنی، یک ژاکت پوشیدم.
قبل از این که پنجره را باز کنی، یک ژاکت می‌پوشم.
قبل از این که شام بخورم یک ساعت دویدم/ می‌دوم.
قبل از این که شام بخورم یک ساعت می‌دوم.

تمرین پ- جمله‌های زیر را با فعل مناسب کامل کنید:

قبل از این که چراغ را ،

قبل از این که ، به مادرم زنگ می‌زنم.

قبل از این که به دانشگاه بیایی،

قبل از این که ، از او بپرس کمک می‌خواهد.

Two Subjunctive Exceptions

There are two verbs in Persian that are irregular in the simple Present tense. Do you remember what they are?

“To be” and “to have” are also irregular in the present tense subjunctive. Use the information in the charts below to complete them.

بودن – وجه التزامی

داشته باشیم	ما		من
	شما		تو
	آنها	داشته باشد	او

داشتن – وجه التزامی

We use these verbs in the subjunctive just like any other verb; the only difference is that they are formed differently. Please make sure you commit these conjugations to memory and practice using them in class and in your assignments.

	ما		من
	شما		تو
باشند	آنها		او

Another Use for the Subjunctive

At this point, you should be comfortable with the idea that the subjunctive is triggered by certain words. However, there are also instances in which we choose to use the subjunctive in order to express uncertainty. Consider the following example from your vocabulary sample sentences.

I think we should have good weather today.
--

فکر می‌کنم که امروز هوای خوبی داشته باشیم.
--

In this sentence, we know that the verb *fekr kardan* is not one of our trigger words for subjunctive. Compare However, we have the option of using the subjunctive with this verb to suggest some doubt. the sentence above with the following sentence.

I think we will have good weather.

فکر می‌کنم که امروز هوای خوبی داریم.

The two meanings are very similar. Can you explain the difference in your own words?

.....
.....

We will be exploring the idea that the subjunctive can also be used to express doubt our uncertainty later in more depth. For now, when you use the verb *fekr kardan*, pay special attention to how certain you are of what you “think.”

تمرین ۳ - در کلاس - (برنامه‌ی فردات چیه؟)

۱- در گروه‌های سه نفره برنامه‌های فردای‌تان را به هم بگویید. برای هر واژه چند فعالیت بگویید.
فردا:

..... باید

..... ممکنه

..... شاید بستگی دارد به این که

..... می‌خواهم

..... می‌توانم

۲- در گروه‌های چهار نفره، نفر اول یک جمله در زمان حال می‌گوید. نفر دوم جمله‌ی او را با آوردن **قبل از این که** در ابتدای جمله و اضافه کردن یک فعالیت دیگر کامل می‌کند. سپس خودش یک **جمله جدید** می‌گوید و نفر سوم به همان ترتیب جمله را کامل می‌کند.
مثال:

نفر اول: تنیس بازی می‌کنم.

نفر دوم: **قبل از این که** تنیس بازی کنم، **غذا نمی‌خورم.**

۳- در گروه‌های دو نفره جمله‌ی زیر را با آرزوها و امیدهای‌تان (**dreams and hopes**) کامل کنید. هر نفر حداقل ۳ آرزوی خود را به هم‌صحبتش بگوید.
دلم می‌خواست/ دلم می‌خواهد

۴- جمله‌های زیر را کامل کنید:

تمرین ۹- دوره‌ی افعال

در خانه:

جمله‌های زیر را با شکل درست فعل‌ها کامل کنید.

- ۱- سال‌ها پیش مادر بزرگم هر روز برای من داستان (گفتن).
- ۲- این لباس‌های رنگی را (پوشیدن).
- ۳- آنها هفته‌ی پیش چند بار به سینما (رفتن).
- ۴- دیشب ساعت ۱۰ دوستانم بعد از چند روز به خانه (برگشتن).
- ۵- وقتی در تهران (زندگی کردن) هر روز دوستانم را (دیدن).
- ۶- برای (نوشتن) درباره‌ی آفریقا باید به آن جا (رفتن).
- ۷- نباید درباره‌ی این موضوع بیشتر (حرف زدن)، او را ناراحت می‌کنید.
- ۸- قبل از این که (خوابیدن)، حتماً به او (کمک کردن) لباسش را
- ۹- وقتی (درس خواندن) تلفن چند بار (زنگ زدن).
- ۱۰- باید با او (کمک کردن) تا پنجره‌ها را (بستن).
- ۱۱- یک ساعت است که فیلم (شروع شدن).
- ۱۲- تا حالا کسی را (دیدن) که بتواند بیشتر از او (درس خواندن).
- ۱۳- قبل از این که (تصمیم گرفتن/من)، باید این موضوع مهم را به پدرم (گفتن/من).
- ۱۴- تا به حال در شهر شلوغی (زندگی کردن/آنها).
- ۱۵- سال‌ها پیش، همیشه سال نو که (شدن)، پدر بزرگم به ما (هدیه دادن). به هدیه‌ی سال نو عیدی (گفتن).
- ۱۶- چهار سال است که پدر دوستم یک باشگاه بزرگ در جنوب شهر (باز کردن).
- ۱۷- او می‌خواهد به همه‌ی دنیا (کمک کردن). این ممکن نیست.



15_4_Listening1

تمرین ۱۰-
در خانه:

۱) به فایل صوتی گوش کنید. سعید درباره‌ی خودش حرف می‌زند. بخشی از حرف‌هایش در زیر نوشته شده است. به فایل صوتی گوش کنید و جاهای خالی را پر کنید.

وقتی از من می‌پرسند اهل کجایی، می‌گویم تهران. به دنیا آمدم و ۱۵ سال در آن‌جا زندگی می‌کردم، می‌رفتم، و حتی کار می‌کردم. کارم نبود. تابستان‌ها به کتاب فروشی عمویم می‌رفتم. کتاب‌فروشی بود و مشتری‌ها معمولاً بعد از ظهر می‌آمدند. می‌نشستم و کتاب می‌خواندم. سال‌های خوبی بود فوت کرد و مادرم تصمیم گرفت برگردد تا باشد. من و برادرم هم با او به مشهد آمديم. الان دارم و در مشهد زندگی می‌کنم، اما دست کم به تهران می‌روم. تصمیم گرفته‌ام به تهران بروم.

۲) در متن بالا زیر افعال خط بکشید و هر کدام از آنها را در جدول زیر در جای مناسب جا دهید.

حال ساده	گذشته ساده	گذشته استمراری	ماضی نقلی (حال کامل)	حال التزامی

3) We know that in Persian we usually drop subject pronouns, and this is especially true of the first-person singular unless we want to emphasize or add contrast. Read what Saeed said once again and try to find the potential **من** in the text.

۴) به فایل صوتی گوش کنید و جواب درست را برای هر سوالی که می‌شنوید از بین جواب‌ها انتخاب کنید. و آن سوال را به شکل نوشتاری قبل از جوابش بنویسید.



15_4_Listening2

- ؟ - آره، البته! همیشه تصمیم‌ها خوبن!
- ؟ - بله، البته!
- ؟ - فکر نمی‌کنم.
- ؟ - به نظرم تصمیمش رو گرفته.
- ؟ - خسته‌ام.
- ؟ - حدود ۱۲.
- ؟ - بستگی داره که کی کلاس ایروپیک شروع شه. باید چک کنم
- بینم کی شروع می‌شه.
- ؟ - فقط ۱۰ ساعت.
- ؟ - نمی‌دوم، بعضی از اونا رو نمی‌شناسم.
- ؟ - دارم موسیقی گوش می‌کنم.

۵) یک بار دیگر به فایل صوتی گوش کنید. توجه کنید که همان طور که گفتیم اغلب مواقع فاعل جمله‌ها گفته نمی‌شوند. گوش کنید و فاعل هر جمله را مشخص کنید. What is the subject of each sentence?

در کلاس -

4) Charades: In groups of three write five sentences. Try to use different tenses in your sentences. Write each sentence on a separate sheet of paper. You will give one sheet of paper to one of the student from another group, s/he will act the sentence out for his/her own group, after first drawing as many lines as there are words in the sentence. Your competition has to figure out the tenses of the verbs too.

تمرین ۱۱:

در کلاس - در این تمرین روی صداهایی کار خواهیم کرد که در فارسی و انگلیسی کمی تفاوت دارند:



15_5_pronunciation1

۱) گوش کنید و تکرار کنید. به صدای ل توجه کنید.

سال پیش - الان - خاله - علاقه - حداقل - معمولاً - مختلف - شلوغ -
لیسانس

۲) گوش کنید و تکرار کنید. به صدای ق توجه کنید.



15_5_pronunciation2

try to say geese in English. How do you

(pronounce the beginning?

فقط - فوق لیسانس - حداقل - قهوه - علاقه - موسیقی - تقریباً - مقنعه

۳) در بیشتر شهرهای ایران، که مردم با لهجی مخصوص به همان منطقه حرف می‌زنند، صدای ق و غ متفاوت



15_5_pronunciation3

تلفظ می‌شود. به فایل صوتی زیر گوش کنید:

چراغ - شلوغ - غمگین (در لهجه بوشهری)
چراغ - شلوغ - غمگین (در لهجه تهرانی)

۴) گوش کنید و تکرار کنید. به صدای آ توجه کنید.



15_5_pronunciation4

ساعت - این جا - الان - باز - ماه - نقاشی

۵) گوش کنید و تکرار کنید. به صدای خ توجه کنید.



15_5_pronunciation5

خاله - خاموش - خانه - مختلف - می‌خوانم

• شماره‌ی ۱ قسمت خانه را به کمک استادتان در کلاس انجام دهید.

در خانه - به فایل صوتی گوش کنید و جمله‌های زیر را با کمک واژه‌هایی که می‌شنوید کامل کنید. معنی کلماتی

را که نمی‌شناسید در یک فرهنگ لغت یا آنلاین پیدا کنید و سپس معنی جمله را به انگلیسی بنویسید. این



15_5_pronunciation6

تمرین به شما کمک می‌کند با متن‌های ناآشنا راحت‌تر برخورد کنید.

۱- را بده، اسم کتابی است که به تازگی خوانده‌ام.

۲- شاعر هفتم است و

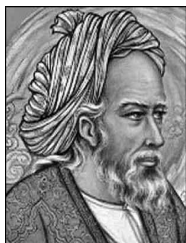
۳- علی نبود و ما باید زودتر می‌رفتیم. فیلم می‌شد.

۴- وقتی دو ساله بود خودش از بالا می‌رفت. مادرش هم فکر نمی‌کرد این کار

باشد.

تمرین ۱۲:

در خانه: Below you will find three entries about famous Persian poets. Each entry features an introduction about the poet in Persian, a representative poem, an audio file of the poem, and a brief description of the poem. Read the documents and listen to the corresponding audio files. Use these materials to determine what makes each of this poets unique, and then pick one poet. Use the audio file to memorize the poem by the poet you have picked. Record the poem and send it to your instructor by email.



حکیم عمر خیام در اول ذیحجه ۴۳۹ قمری (قرن پنجم هجری)، برابر با ۱۸ ماه مه ۱۰۴۸ میلادی، در شهر نیشابور متولد شد. خیام مشهورترین شاعر فارسی زبان در آمریکاست و شهرتش به دلیل رباعیات شورانگیز اوست. او اندیشه‌های حکیمانه‌اش را به زبانی ساده در رباعیات خود بیان می‌کند. خیام ریاضی‌دان و ستاره‌شناس هم بود. او در سال ۴۶۷ قمری، برابر با ۱۰۷۴ میلادی، در حالی که تنها ۲۷ سال داشت، مأمور شد که با همکاری چند دانشمند و ریاضی‌دان مشهور به اصلاح تقویم موجود بپردازد. حاصل این کار گروهی عظیم که در رصدخانه اصفهان صورت گرفت و تا سال ۴۷۱ قمری، یعنی ۱۰۷۸ میلادی ادامه یافت، تقویم جلالی بود که یکی از دقیق‌ترین گاه‌شمارهای جهان به شمار می‌رود.



15_5_pronunciation7

Khayyam, if thou art drunk with wine, be glad!
If seated next to one with tulips cheeks, be glad!
Since the world's work has no hereafter, think then
Though mightiest not be-but since thou art, be glad!

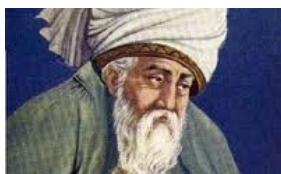
خیام اگر زباده مستی خوش باش

با ماه‌رخي اگر نشستی خوش باش

چون عاقبت کار جهان نیستی است

Translated by Edward Fitzgerald

انگار که نیستی، چو هستی خوش باش



جلال‌الدین مولوی که در غرب به رومی معروف است، شاعر و عارف مسلمان ایرانی قرن هفتم هجری قمری (قرن ۱۳ میلادی) است. او در شهر بلخ که هم‌اکنون در افغانستان است به دنیا آمد و در نوجوانی به همراه پدرش به قونیه در ترکیه رفت و دیگر هرگز به بلخ بازنگشت. او پرکارترین شاعر ادب فارسی است. آثار بسیار زیادی از مولوی به جا مانده است که مهمترین آنها «مثنوی معنوی»، «غزلیات شمس تبریزی»، «رباعیات»، «فیه ما فیه»، «مکاتیب»، و «مجالس سبعه» هستند. «مثنوی معنوی» معروف‌ترین مثنوی زبان فارسی است. از این اثر در کنار کتاب‌های مقدس یاد می‌شود.



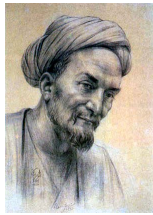
15_5_pronunciation8

An encouraging voice asks the Sufi to leave politics and mind and to become "divāne" (a madman) for love and to become a moth to the flame, destroyed by the fire.

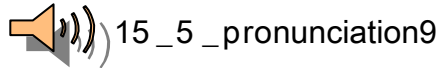
حیلت رها کن عاشقا، دیوانه شو، دیوانه شو
واندر دل آتش درآ، پروانه شو، پروانه شو

The voice continues "be away from yourself" and ruin your house, then come and share home with "aasheghaan" (lovers)

هم خویش را بیگانه کن، هم خانه را ویرانه کن
وانگه بیا با عاشقان هم‌خانه شو، هم‌خانه شو



سعدی شیرازی که به استاد سخن شهرت دارد شاعر قرن هفتم هجری قمری (قرن ۱۳ میلادی) و از معروفترین شاعران فارسی زبان است. اشعارش بار اجتماعی و اخلاقی دارد و کودکان ایرانی از خردسالی با سخنش آشنا می‌شوند و در مدارس اشعارش را می‌خوانند. آثار معروفش کتاب‌های گلستان، بوستان، و همچنین غزلیات اوست.



15_5_pronunciation9

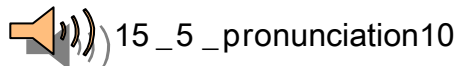
The poet talks to his beloved about the constant presence of beloved in his mind:

I will never and do not want to wake up from this desired hangover, you were sitting in my heart before I was born
You are not like a sun, falling into presence and absence
Others come and go, you are the one who stays

همه عمر بردارم سر از این خمار مستی
که هنوز من نبودم که تو در دلم نشست

تو نه مثل آفتابی که حضور و غیبت افتد
دگران روند و آیند و تو همچنان که هستی

احمد شاملو، شاعر، نویسنده، پژوهشگر و مترجم، در آذرماه ۱۳۰۴ هجری شمسی، برابر با ۱۲ دسامبر ۱۹۲۵، در تهران به دنیا آمد. او از مؤسسان و دبیران کانون نویسندگان ایران در پیش و پس از انقلاب بود. شاملو در قالب‌های کهن و نو شعر می‌سرود و اشعار عامیانه‌اش نیز شهرت دارد. او که بیشتر برای اشعار آزادی خواهانه‌اش معروف بوده و هست، پیشرو سبک سپید یا شعر منثور در شعر فارسی بود. برخی از منتقدان او را موفق‌ترین شاعر در سرودن شعر منثور می‌دانند. اشعار شاملو به زبان‌های مختلفی ترجمه شده است. مهمترین اثر پژوهشی شاملو مجموعه‌ی «کوچه» است که درباره‌ی فرهنگ عامه‌ی تهران می‌باشد.



15_5_pronunciation10

تو از خورشیدها آمده‌ای، از سپیده‌دم‌ها آمده‌ای
تو از آیینه‌ها و ابریشم‌ها آمده‌ای،

[...]

You have come from the suns and the dawns
From the mirrors and the silks.

من

برمی‌خیزم!

[...]

I

Stand up!

A light in my hand, a light in my heart.

I polish away the rust from my soul.

I place a mirror in front of your mirror

In order to create an eternity

چراغی در دست، چراغی در دلم.

زنگار روحم را صیقل می‌زنم.

آینه‌ای برابر آینه‌ات می‌گذارم

تا با تو

ابدیتی بسازم.

در کلاس: Work with a partner and explain in Persian why you picked your poet. What about this poet was interesting to you? Listen carefully to your partner's explanation You may be required to explain your partner's logic to the class! At the end of class, each of you will be required to recite the poet that you picked, so make sure you have rehearsed it!

فرهنگ - جمعیت ایران (در خانه و کلاس)

تمرین ۱۳

15_6_culture1

در خانه- برای خواندن متن زیر باید کلمات زیر را بدانید. به فایل صوتی گوش کنید و واژه‌ها را تکرار کنید.



بعضی از کسانی که در شهرهای بزرگ زندگی می‌کنند، روزهای تعطیل با خانواده و دوستان‌شان به باغ‌های (gardens) اطراف شهرشان می‌روند و وقت می‌گذرانند. برای بعضی خانواده‌های ایرانی زندگی در خانه و خارج خانه کاملاً متفاوت (different) است.

دو هزار	دویست	population	جمعیت
سه هزار	سی صد	literate	باسواد
چهار هزار	چهارصد	Official language	زبان رسمی
یک میلیون	پانصد (پونصد)	dialect	گویش
یک میلیارد	شش صد	Religion جمع: ادیان	دین
	هفت صد	Muslim	مسلمان
	هشت صد	Christian	مسیحی
	نه صد	Zoroastrian	زرتشتی
	هزار	Jewish	یهودی
		Baha'i	بهایی
		follower	پیرو

15_6_culture2



اغلب خانواده‌های جوان دو فرزند (بچه) دارند و معمولاً فرزند بیشتری نمی‌خواهند.



دو پسر جوان در حالی که دست همدیگر را گرفته‌اند، در خیابان راه می‌روند.



وانیا که نه سال دارد، تنها فرزند خانواده‌اش است.

در کلاس - بخوانید.

ایران حدود ۷۶,۰۹۱,۰۰۰ نفر جمعیت دارد. ۱۳۲۸۱۸۵۸ نفر از این جمعیت در تهران زندگی می‌کنند. نزدیک به ۸۰ درصد جمعیت تهران باسواد هستند، یعنی می‌توانند بخوانند و بنویسند. در ایران، اگر چه زبان رسمی فارسی است، مردم با زبان‌ها و گویش‌های مختلفی حرف می‌زنند. حدود ۵۳ درصد مردم به زبان و گویش‌های فارسی، ۱۸ درصد مردم به ترکی و گویش‌های آن، ۱۰ درصد به کردی، ۷ درصد به گیلکی و مازندرانی، ۶ درصد به لری، ۲ درصد به بلوچی، ۲ درصد به عربی، و ۲ درصد به زبان‌های دیگر حرف می‌زنند. ۹۸ درصد مردم ایران مسلمان، و ۲ درصد مسیحی، زرتشتی، یهودی، بهایی و یا پیرو ادیان دیگر هستند.

15_6_culture3

شهسواری- آتوود

درک خواندن ۱ - در کلاس

تمرین ۱۴

1- Read the following advertisements and decide with your classmate which tour you will reserve. Why? (source of text and picture: <http://www.silkfly.ir/Intours.asp>)



تور کیش پرواز ابریشم تور کیش

تور کیش پرواز ابریشم

پرواز با بوئینگ ۷۰۷ ساها رفت: ۱۸:۳۰ برگشت: ۲۱:۰۰

۱- هتل ۲* جام جم = ۲ شب ؛ DBL ؛ ۱۴۴۰۰۰ تومان

صبحانه ، ترانسفر فرودگاهی ، ۱۵٪ بن تخفیف پارک دلفینها و پرندگان ، سرویس بازار ، بلیارد ،

۲- هتل ۳* تعطیلات = ۲ شب ؛ DBL ؛ ۱۵۰۰۰۰ تومان

صبحانه ، ناهار ، ترانسفر فرودگاهی ، ۱۵٪ بن تخفیف پارک دلفینها

۳- هتل ۴* شایگان = ۲ شب ؛ DBL ؛ ۱۶۰۰۰۰ تومان

صبحانه ، ترانسفر فرودگاهی ، ۲۰٪ بن تخفیف پارک دلفینها و پرندگان، استخر، سونا، جکوزی، بلیارد، زمین تنیس

۴- هتل ۴* مجموعه ثابت (پانید ، لاله ، هلیا ، تماشا ، آریان) = ۲ شب ؛ DBL ؛ ۱۵۴۰۰۰ تومان

صبحانه ، ناهار ، ترانسفر فرودگاهی ، ۵۰٪ بن تخفیف پارک دلفینها و پرندگان ، بازدید رایگان از هتل داریوش

۵- هتل ۵* داریوش = ۲ شب ؛ باغ ؛ DBL ؛ ۲۱۴۰۰۰ تومان

صبحانه ، ترانسفر فرودگاهی ، ۵۰٪ بن تخفیف پارک دلفینها و پرندگان، زمین تنیس بدنسازی، اینترنت، قایقرانی، دوچرخه سواری رایگان

۶- هتل ۵* داریوش = ۲ شب ؛ دریا ؛ DBL ؛ ۲۳۰۰۰۰ تومان

صبحانه ، ترانسفر فرودگاهی ، ۵۰٪ بن تخفیف پارک دلفینها و پرندگان، زمین تنیس بدنسازی، اینترنت، قایقرانی، دوچرخه سواری رایگان

به نرخهای فوق در تعطیلات ۱۵ آبان تا ۱۸ آبان ۸۶ مبلغ ۲۰۰۰۰ تومان اضافه می‌گردد.
جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره ۸۸۸۲۵۶۶۱ در تهران تماس بگیرید.

2- Now, look at the most up-to-date version of the prices for option #6:

هتل ۵* داریوش = ۲ شب ؛ دریا ؛ DBL ؛ ۴۱۰۰۰۰ تومان

How different it is with the prices from 2 years ago?

۳- اعدادی را که در متن وجود دارد به ترتیب و با صدای بلند در کلاس بخوانید.

تمرین ۱۵

به آگهی زیر نگاه کنید و

And pay attention to “ how superlative adjectives are expressed in Persian. ”

1- You learned that بهتر means “...?..... ” and بهترین means “.....?..... ”. There are three superlative adjectives in the following text which mean “the most assured ”, “ the healthiest ”, and “the easiest/most comfortable ”. Find the words.

۲- به نظر شما این آگهی درباره‌ی چیست؟

۳- معادل فارسی واژه‌های زیر را در عکس زیر پیدا کنید.

Thin/Easy/Fast/To become thin/ Don 't miss/A cup of tea

دیگر لاغری آسان و سریع يك افسانه نیست!



دیگر اندامی زیبا و جوان يك رويا نیست!

لاغر شدن بدون زحمت و دردسر

این فرصت بی نظیر را از دست ندهید

منبع:

<http://taban00.mihanblog.com/>

۴- به فایل صوتی گوش کنید و تلفظ واژه‌های: لاغر، مطمئن‌ترین، سالم‌ترین، و راحت‌ترین را تمرین کنید و یاد بگیرید.



15_7_reading1

۵- با هم کلاسی خود درباره‌ی عبارت‌های زیر تصمیم بگیرید. می‌توانید جمله‌ی خود را با «به نظر من» یا «فکر می‌کنم» شروع کنید.

بزرگ‌ترین شهر کشورمان / سردترین ماه سال / گرم‌ترین کشور اروپایی / پرجمعیت‌ترین پایتخت دنیا
مهم‌ترین تعطیلات کشور / مناسب‌ترین وقت برای درس خواندن / نزدیک‌ترین کتابفروشی به اینجا

خواندن - داستانی از هوشنگ مرادی کرمانی (بخش اول) - در خانه و کلاس

15_7_reading2

تمرین ۱۶-

داستان چکمه نوشته‌ی هوشنگ مرادی کرمانی است. در درس بعد درباره این نویسنده خواهیم خواند.

موسیقی متن: موسیقی ایرانی - بداهه نوازی / حسین علیزاده و مجید خلجی / درآمد

Music by: Hossein Alizadeh And Madjid Khaladj\Iranian Music, Improvisations/ Daramad

در خانه- اول به فایل صوتی گوش کنید و با کمک آن متن را بخوانید. معنی واژه‌هایی را که نمی‌دانید می‌توانید از لیست کنار متن پیدا کنید و یا حدس بزنید. سپس یک بار متن را آرام برای خودتان بخوانید و هر جا لازم است **کسره‌ی اضافه** بگذارید. دوباره به فایل صوتی گوش کنید و کسره‌های اضافه را چک کنید. متن را بخوانید، صدایتان را ضبط کنید و فایل صوتی را برای استادتان بفرستید.

read it out loud at home and record yourself . Submit the audio file.

چکمه

گذاشتن: *to put*

همسایه‌ها: کسانی که در

خانه‌های کنار زندگی می‌کنند.

عروسک: *doll*

آوردن: *to bring*

دلش می‌خواست: دوست داشت

خریدن: *to buy*

مادر لیلا، روزها، لیلا را می‌گذاشت پیش همسایه و می‌رفت سر کار. او توی کارگاه خیاطی کار

می‌کرد. لیلا با دختر همسایه بازی می‌کرد. اسم دختر همسایه مریم بود.

لیلا و مادرش در یکی از اتاق‌های خانه مریم زندگی می‌کردند. لیلا پنج سال داشت و مریم یک سال از او بزرگ‌تر بود.

یک روز، عموی مریم برایش عروسکی آورد. آن روز، لیلا و مریم با آن خیلی بازی کردند. عروسک

همه‌اش پیش لیلا بود. لیلا دلش می‌خواست عروسک مال خودش باشد. اما، مریم می‌گفت:

- هر چه دلت می‌خواهد با آن بازی کن. ولی، عروسک مال من است.....

..... لیلا ناراحت شد. غروب که مادرش آمد، دوید جلوی او و گفت:

- مادر، مادر، من عروسک می‌خواهم. عروسکی مثل عروسک مریم. برایم می‌خری؟

مادر گفت:

- نه، نمی‌خرم

لیلا گفت :

- چرا نمی‌خری؟

- برای اینکه تو دختر خوبی نیستی.

- من دختر خوبی هستم، مادر.

- اگر دختر خوبی هستی، چرا چشم‌ت به هر چیزی می‌افتد، می‌گویی: من آن را می‌خواهم؟

- خودت گفتی، اگر دختر خوب و حرف‌شنوی باشی یک چیز خوب برایت می‌خرم. خوب، حالا برایم عروسک بخر، عروسکی

مثل این.

من که نگفتم برایت عروسک می‌خرم.

- پس می‌خواهی برایم چه بخری؟

- برایت چیزی می‌خرم که هم خیلی به دردت می‌خورد و هم خیلی ازش خوش می‌آید.

- مثلاً چی؟

-چکمه.

در کلاس-

- ۱- در گروه‌های دو نفره داستان را برای هم‌کلاسی‌تان بازگو کنید. سپس گروه‌تان را عوض کنید و در گروه جدید به هم‌کلاسی‌تان گوش کنید.
- ۲- استاد از یک یا دو نفر خواهد خواست که داستان را برای تمام کلاس بازگو کنند.
- ۳- به هم‌کلاسی‌تان بگویید از چه چیزهایی خوش‌تان نمی‌آید.
- ۴- این عکس چیزهایی است که همسایه‌هایتان می‌خواهند بفروشند (*They want to sell*). به هم‌کلاسی‌تان بگویید کدام یک از چیزهای زیر به دردتان می‌خورد و کدام یک به دردتان نمی‌خورد. وسایل کدام همسایه بیشتر به دردتان می‌خورد.



آقا و خانم اسمیت



کامران و دوستش

گفتاری- نوشتاری Spoken-written (در خانه و کلاس)



15_8_spoken/written

تمرین ۱۷:

به فایل صوتی گوش کنید و سؤالاتی را که می‌شنوید به شکل نوشتاری بنویسید.

- ۱-
- ۲-
- ۳-
- ۴-
- ۵-
- ۶-
- ۷-
- ۸-
- ۹-
- ۱۰-

تمرین ۱۸

گفتگو ۱ - کمک می‌خواین! (در کلاس و خانه)

15_9_conversation1



- می‌خواین کمک‌تون کنم مادر؟
- نه، ممنون پسر، خودم می‌تونم.

- اجازه بدین کمکتون کنم.
- دست شما درد نکنه! می‌شه در رو باز کنید؟
- حتماً! بفرمایید.

- می‌شه لطف کنید پنجره‌ها رو ببندین؟
- بله، حتماً.
- مرسی.
- خواهش می‌کنم.

در کلاس

الف- اول چند بار با هم‌کلاسی‌تان گفتگوی بالا را تمرین کنید. سپس، با کمک هم یک گفتگوی جدید بنویسید و آن را در کلاس بازی کنید.

گفتگو ۲ - ببخشید، متوجه نشدم، ممکنه دوباره بگین! (در خانه و کلاس)

15_9_conversation2

فهمیدن: متوجه شدن *to understand*
فرمودن: گفتن (*as a sign of respect when you*)
(*refer to somebody who has said sth*)
عرض کردن: گفتن (*as a sign of being humble,*)
(*when you refer to yourself*)



- می‌شه اون در رو ببندین؟
- ببخشید، متوجه نشدم، چی فرمودین؟
- عرض کردم ممکنه در رو ببندین؟
- بله، حتماً! الان می‌بندم.



- چرا جواب نمی‌دی؟
- آخه نفهمیدم سوال چی بود؟!

- کی برمی‌گردی خونه؟ ... سعید! با تو هستم!
- جان! نفهمیدم. چی گفتی؟
- گفتم امشب کی برمی‌گردی خونه؟
- حدود ۸ خوبه؟
- آره، فیلم ساعت ۹ شروع می‌شه.

در کلاس

الف- اول چند بار با هم‌کلاسی‌تان گفتگوهای بالا را تمرین کنید. سپس، با کمک هم یک گفتگوی جدید بنویسید و آن را در کلاس بازی کنید.



Listen to the song online and try to follow along. There are a few words you know. What are they? Be aware that this song is sung in “گفتاری.” Read the English summary of the lyrics and guess what the underlined words mean. You can probably find a performance by Googoosh by looking for خونه ی گنجشکا - گوگوش. You can also find an audio file by looking for “دانلود آهنگ گنجشک های خونه گوگوش”



- Oh, the light behind every reason ای چراغ هر بهانه
- is illuminating because of you, is illuminating because of you از تو روشن از تو روشن
- Oh, your beautiful words befriend me with my own self ای که حرفای قشنگت منو آشتی داده با من
- The sparrows of this house and I are used to seeing you من و گنجشکای خونه دیدنت عادت‌مونه
- For the sake of seeing you, we will fly from the nest به هوای دیدن تو پر می‌گیریم از تو لونه
- Once again we will come, like everyday. باز میایم که مثل هر روز
- (Because) you throw seed for us. برامون دونه بپاشی
- The sparrows and I will die if you are not home. من و گنجشکا می‌میریم تو اگه خونه نباشی
- Your name has always been the first thing and last thing that I say همیشه اسم تو بوده اول و آخر حرفام
- I have called your name so many times that my breath smells like you بس که اسم تو رو خوندم بوی تو داره نفس‌هام
- The scent of your beautiful words, (is like) the scent of a dessert full of cepses عطر حرفای قشنگت عطر یک صحرا شقایق
- You are the same color تو همون شرمی که از اون
- As the red cheeks of a lover سرخه گونه های عاشق
- My poem is the same color as your eyes, the color شعر من رنگ چشاته
- of pure chastity رنگ پاک بی‌ریایی
- the most beautiful color I have ever seen بهترین رنگی که دیدم
- the color of amber رنگ زرد کهربایی
- The sparrows of this house and I من و گنجشکای خونه
- are used to seeing you دیدنت عادت‌مونه
- For the sake of seeing you, we will fly from the nest به هوای دیدن تو پر می‌گیریم از تو لونه

بند نویسی - در خانه:

تمرین ۲۰:

۱- کمک ۱۰ واژه از واژه‌ها و افعالی که در این درس یاد گرفته‌اید، یک داستان بسیار کوتاه، یا یک خاطره بنویسید.

۲- درباره‌ی ادیان و زبان‌های مختلفی که در کشور شما رواج دارند یک بند بنویسید. برای نوشتن این بند از واژه‌های زیر کمک بگیرید.

جمعیت- زبان رسمی- درصد - حدود - نزدیک به - باسواد - به زبان ... حرف می‌زنند - پیرو دین ... هستند - زبان‌های مختلف

دوره افعال - در خانه

تمرین ۲۱:

جمله‌های زیر را با شکل صحیح فعل کامل کنید.

you can start reviewing and practicing the verbs on pages 31-33 to be more ready for this exercise .

۱- روزهای پنج‌شنبه برای مادر بزرگم گل (to bring/he).

۲- سال پیش یک کتاب درباره‌ی تاریخ ایران (to read/we).

۳- پدر و عمویم یک شرکت مهندسی (to have). آنها با هم (to work).

۴- این کلاس، کلاس فیزیک دانشگاه آستین (to be). کلاس بیست دانشجو (to have).

سال قبل فقط ده دانشجو (to have). رییس دانشگاه می‌گوید این کلاس باید حداقل بیست و پنج دانشجو (to have).

۵- دیروز من و دوستانم برای (to eat) غذای چینی به یک رستوران چینی در خیابان

سمیه (to go).

۶- تا حالا کتاب‌هایش را (to read)، معمولاً درباره‌ی چه می‌نویسد؟

۷- ببخشید، (to understand) چه گفتید؟ ممکنه (to repeat) ؟

- ۸- امشب می‌خواهم همه‌ی دوستانم را در یک رستوران (to see).
- ۹- فردا کتابت را (to bring/I).
- ۱۰- هنوز به ما (to say/he) تابستان کجا می‌رود.
- ۱۱- به امارات می‌روم تا با پدر و مادرم (to live).
- ۱۲- استاد چند سوال سخت از ما (to ask) و ما نتوانستیم (to answer).
- ۱۳- باید برای دیدن ما به تهران (to come/you).
- ۱۴- وقتی در تهران (to live/I) همیشه وقتی به خانه‌اشان (to go) ،
..... (to help her/I)
- ۱۵- روی این صندلی (to sit/I)؛ کثیف است.
- ۱۶- خواهرم معمولاً با دختر همسایه (to play).
- ۱۷- من (to think) شما نباید این میوه‌ها را (to eat).
- ۱۸- از دیروز (to decide) فقط روزی ۶ ساعت (to sleep).
- ۱۹- نمی‌توانم جواب این سوال را (to give)، جوابش باید پیشم (to stay).
- ۲۰- خواهش می‌کنم این لباس را (to wear)؛ برای این مهمانی مناسب نیست.
- ۲۱- باید رعنا را (to see)؛ دختر بسیار نازنینی است.
- ۲۲- دیشب تا صبح (to sleep)؛ با دوستم حرف می‌زدم.
- ۲۳- او دوست دارد لباس‌های رنگی (to wear).
- ۲۴- (to guess) دیشب کجا بودم!
- ۲۵- چه کسی این کتاب‌ها را روی این میز (to put)؟ این میز خیس است.
- ۲۶- هنوز خانه‌ای را که دربارهاش حرف زدم (to buy/ we).
- ۲۷- وقتی مدرسه می‌رفتم، هر روز ساعت پنج صبح (to wake up).

- ۲۸- می‌توانم در را (to open)؟ این اتاق گرم است.
- ۲۹- هنوز (to get ready/you)؟ دارد دیر می‌شود. باید زود (to return)
- و (to rest).
- ۳۰- امروز نمی‌توانم به باشگاه (to come) و (to exercise).
- ۳۱- پارسال هفته‌ای ۵ ساعت (to run). امسال فقط (to study).
- ۳۲- رقص بلد نیستم. البته تا حالا (to try) برقصم.
- ۳۳- هنوز مشتری این جاست! چرا در را (to close) و به مشتری‌ها (to say) تعطیل است؟
- ۳۴- وقتی می‌آمدی چراغ‌ها را (to turn off)؟
- ۳۵- از موسیقی کلاسیک چیزی (to understand)، باید بیشتر (to listen).
- ۳۶- برای (to help) به شما آمده‌ام. چرا این‌جا (افتادن)؟
- ۳۷- وقتی به مدرسه می‌رفتم، هر شب دست‌کم سه ساعت تکلیف‌هایم را (to write).
- ۳۸- باید قبل از این که این جمله‌ها را (to complete)، معنی واژه‌های زیادی را (to know).
- ۳۹- روسیه در شمال ایران (to be located).
- ۴۰- بعد از این که (to fall)، متوجه شدم که دیگر نمی‌توانم (to speak).

جدول زیر را کامل کنید

حال ساده - مصدر	گذشته استمراری	گذشته نقلی	حال التزامی
می‌روم - رفتن	می‌رفتم - می‌رفتی - می‌رفت	رفته‌ام - رفته‌ای - رفته است	بروم - بروی - برود برویم - بروید - بروند
می‌خورم - خوردن			
می‌خرم - خریدن			
کار می‌کنم - کار کردن			
زندگی می‌کنم - زندگی کردن			
می‌نویسم - نوشتن			
می‌خوانم - خواندن			
می‌بینم - دیدن			
می‌گویم - گفتن			
می‌پرسم - پرسیدن			
می‌نشینم - نشستن			
جواب می‌دهم - جواب دادن			
گوش می‌کنم - گوش کردن			
صحبت می‌کنم - صحبت کردن			
دارم - داشتن			
می‌خواهم - خواستن			
می‌توانم - توانستن			
باز می‌کنم - باز کردن			
می‌بندم - بستن			
می‌آیم - آمدن			
کمک می‌کنم - کمک کردن			
برمی‌گردم - برگشتن			

حال ساده - مصدر	گذشته استمراری	گذشته نقلی	حال التزامی
تصمیم می گیرم - تصمیم گرفتن			
می گویم - گفتن			
می گذارم - گذاشتن			
می آورم - آوردن			
می دهم - دادن (به)			
حدس می زنم - حدس زدن			
می دوم - دویدن			
ورزش می کنم - ورزش کردم			
می دانم - دانستن			
بیدار می شوم - بیدار شدن			
جواب می دهم - جواب دادن			
قبول می شوم - قبول شدن			
سعی می کنم - سعی کردن			
می پوشم - پوشیدن			
استراحت می کنم - استراحت کردن			
متوجه می شوم - متوجه شدن			
می فهمم - فهمیدن			
کامل می کنم - کامل کردن			
فکر می کنم - فکر کردن			
آماده می شوم - آماده شدن			
قرار دارد - قرار داشتن			
می مانم - ماندن			
می افتم - افتادن			
خاموش می کنم - خاموش کردن			
زنگ می زنم - زنگ زدن			

حال ساده - مصدر	گذشته استمراری	گذشته نقلی	حال التزامی
بازی کردن			
تکرار کردن			
حدس زدن			
خوابیدن			

نوشتار (گفتار)	نوشتار (گفتار)	نوشتار (گفتار)	نوشتار (گفتار)
گذاشتن	باسواد	بعضی - بعضی از	مربی
پیش	زبان رسمی	کسی / کسانی	زندگی می‌کردم
همسایه	گویش	بعضی از کسانی که	کمک کردن - کمک
کارگاه	دین	می‌نشینند - نشستن	می‌کنم / به کسی کمک کردن]
خیاطی	مسلمان	می‌مانم / می‌ماندم	تا
بزرگ‌تر	مسیحی	بستگی دارد	جدی
عروسک	زرتشتی	مشتري	مهربون
آوردن	یهودی	داشته باشیم	شعر
همه‌اش	بهایی	حدود	موسیقی
دلش می‌خواست	پیرو	چراغ	حداقل / دست کم
چشم	دویست	خاموش می‌کنم	مختلف
می‌افتد - افتادن	سی صد	تنها، خودم تنها	می‌آمد
حرف شنو	چهارصد	هم خانه	می‌رفت
به درد خوردن	پانصد (پونصد)	حالا، حال: الان	برگشت
	شش صد	تا به حال (تا حالا)	تصمیم گرفت
	هفت صد	خلوت: مخالف شلوغ	باز می‌کند - باز کرده‌ایم
	هشت صد	آینده	گفت - می‌گوید
	نه صد		کمکم می‌کنی؟
	هزار		بهترین
	دو هزار		جا
	سه هزار		دنیا
	چهار هزار		فقط
	یک میلیون		چند ماه
	یک میلیارد		تقریباً